

132520 - حکم کشتن خارجی‌ها، در کشورهای اسلامی

سوال

نظر شما درباره‌ی عملیاتی که در برخی کشورهای مسلمان رخ می‌دهد، و خارجی‌ها را هدف قرار می‌دهد، اما گاه باعث کشته شدن تعدادی از مسلمان‌ها و تخریب برخی ساختمان‌ها و تاسیسات می‌شود چیست؟ آیا این کار، چنانکه انجام دهندگان آن ادعا می‌کنند، جهاد است؟

پاسخ مفصل

اولاً:

اینگونه

عملیات که در کشورهای مسلمان رخ می‌دهد و چنانکه گفتید خارجی‌ها را هدف قرار می‌دهد، جهاد نیست، بلکه فساد و تباهی و تخریب و زشت‌نمایی اسلام است، و نشان‌دهنده‌ی جهل و نادانی مرتکبان آن است، زیرا بیگانگانی که وارد سرزمین مسلمانان می‌شوند، در امان هستند و با اجازه وارد این سرزمین شده‌اند، بنابراین هیچگونه تجاوزی در حق آنان جایز نیست، نه زدن و نه برداشت اموال آنان تا چه رسد به کشتنشان زیرا جان و مال آنان معصوم است، و کسی که به آنان تعرض کند خود را در معرض خطر بزرگی قرار داده چنانکه بخاری (۳۱۶۶) از عبدالله بن عمرو. رضی الله عنهما. روایت کرده که پیامبر. صلی الله علیه وآله وسلم.

فرمودند: «هرکه [کافر] صاحب عهدی را بکشد، بوی بهشت به مشامش نخواهد

رسید، در حالی که بوی آن از مسیری [به فاصله‌ی]

چهل سال، به مشام می‌رسد.» این حدیث، ذمی (شهروند

غیر مسلمان اهل جزیه) و معاهد (غیرمسلمان خارجی صاحب

پیمان) و مستامن (غیر مسلمان خارجی صاحب امان) را شامل می‌شود.

حافظ ابن حجر رحمه

الله، در «فتح الباری» می‌گوید: «منظور [حدیث]

**هرکسی است که با مسلمانان پیمانی دارد، چه پیمان
جزیه یا آتش بس اعلام شده از سوی سلطان، یا امان دادن از
سوی یک مسلمان.»**

ابن سخن حافظ

ابن حجر که می‌گوید: **«یا امان دادن از سوی یک**

مسلمان» اشاره به سخن فقها است که شرط نیست حتما حاکم یا سلطان امان
بدهند، بلکه برای هر کسی از عموم مسلمانان جایز است که به
غیر مسلمانان امان بدهند و خارجی‌های مورد بحث نیز با
امان دولت وارد سرزمین‌های مسلمان می‌شوند، و همینطور
معمولا با امان یکی از مسلمانان (نظام کفالت)، بنابراین تعرض به
آنان به هیچ عنوان جایز نیست، حتی اگر در اصل از یک
طرف مورد جنگ باشند.

بخاری

(۳۱۷۱) و مسلم (۳۳۶) از ام هانئ دختر

ابی طالب . رضی الله عنها . نقل کرده‌اند که گفت: سال فتح مکه به نزد

رسول الله . صلی الله علیه وآله وسلم . رفتم؛ ایشان در حال غسل

بود، و فاطمه دخترشان برایشان پرده را نگه داشته بود. سلام گفتم؛ فرمود:

«این کیست؟» گفتم: منم ام هانئ دختر ابی طالب. فرمود:

«خوش آمدی ام هانئ». وقتی غسلش تمام شد برخاست و هشت رکعت را در

حالی که خود را در یک پارچه پوشانده بود، خواند. گفتم: ای

پیامبر خدا، پسرعمویم مدعی است، مردی را که پناهِش داده‌ام

یعنی فلانی فرزند هُبیره را خواهد کشت. پس رسول خدا .

صلی الله علیه وسلم . فرمودند: **«هر که را پناه داده‌ای پناه**

داده‌ایم، ای ام هانئ.»

ابن قدامه . رحمه

الله . می‌گوید: **«و هریک از ما . مرد یا زن یا برده**

. که به آنان امان دهد، امانش جایز است.»

و می گوید:

«اگر به اهل جنگ (کافرانی که با آنان وضعیت جنگی برقرار است)، امان داده شود، کشتنشان و برداشتن مالشان و تعرض به آنان حرام می شود، و این امان دادن از سوی هر مسلمان بالغ عاقل مختار. مرد و زن و برده و آزاد. صحیح است، و این قول ثوری و اوزاعی و شافعی و اسحاق و ابن قاسم و بیشتر علما است.» (المغنی ۱/۹). (۱۹۵).

ثانیا:

حتی اگر مستامن یا معاهد، پیمانانش را زیر پا بگذارد باز هم برای عموم مسلمانان جایز نیست که او را بکشند، زیرا این باعث مفسد بیشتری می شود.

رسول الله .

صلی الله علیه وآله وسلم . عبدالله بن ابی بن سلول که رئیس منافقان بود را نکشت **«تا نگویند که محمد دارد یاران خود را می کشد.»** بر همین اساس، عموم مسلمانان اجازه ندارد حتی کسی را که علنا مرتد شده و خونش معصوم نیست بکشند. این کارها، بلاها و مصیبت های بسیاری را به سوی مسلمانان کشانده و برای فعالیت دعوتگران مشکلات بسیاری ایجاد کرده و چه بسیار از سوی مغرضان برای تخریب چهره ی حق و اهل حق مورد سوء استفاده قرار گرفته است.

ثالثا:

اما سبب شدن در قتل مسلمانانی که خونشان معصوم است، جرمی است بسیار بزرگ و گناهی بس عظیم، زیرا **«زوال دنیا نزد الله آسان تر از کشته شدن شخصی مسلمان است.»** چنانکه رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرموده اند. به روایت ترمذی (۱۳۹۵) و

نسائی (۳۹۸۷) و ابن ماجه
(۲۶۱۹) از عبدالله بن عمرو. علامه آلبانی،
این روایت را در صحیح سنن ترمذی صحیح دانسته است.

اما استدلال آنان، به
مسأله‌ی «تَتَرَّسِ» (سپر گرفتن) مردود، و نشان دهنده‌ی جهل و ظلم آنان
است. ما کشتن کافری که خونش حلال است را به سبب مفاستی که ذکر شد
جایز نمی‌دانیم، تا چه رسد به اینکه افرادی
بی‌گناه نیز به آن‌ها افزوده شود؟

بنابراین، مشخص
است که آنچه این‌ها می‌کنند، تاریکی بر روی
تاریکی است، و سرچشمه‌ی آن جهل است و عجله و عدم رجوع به علما
یعنی کسانی که خداوند به ما دستور داده از آنان پرسش
کنیم. از سوی دیگر، رای همه‌ی علمای مورد
اعتماد بر منع اینگونه عملیات و جرم دانستن آن است، زیرا هم اصل
آن حرام است، و هم مفاست و بدی‌های بسیاری بر آن مترتب
می‌شود.

در پایان، هر
مسلمانی باید تقوای الله متعال را پیشه سازد و از
زیر پا نهادن پیمان مسلمانان و ریختن خون حرام و کشاندن شر و
بدی به سوی مسلمانان به شدت دوری گزیند.

خداوند همه را
برای آنچه مورد خشنودی اوست، توفیق دهد. والله اعلم.